

علیرضا رئیسین:

برجِ عاجِ نویسندگی

اقتباس پلی میان سینما و ادبیات است و در این میانه این سینماست که دست نیاز به سوی ادبیات دراز می‌کند و از منبع سرشار ادب و کلمه بهره می‌گیرد. اما به دلیل چالش‌های عمده، این ارتباط دو سویه میان نویسندگان و فیلمسازان شکل نگرفته است. علیرضا رئیسین از جمله فیلمسازانی است که در کارنامه خود فیلم‌های اقتباسی قابل توجهی دارد. «مرد بدون سایه» و «چهل سالگی» از جمله آثار اقتباسی این کارگردان هستند که توانستند نظر منتقدان را هم جلب کنند. این کارگردان سینمای ایران در گفتگو با ماهنامه صبا درباره اقتباس در سینمای ایران، فیلم‌های اقتباسی و چالش‌های پیش رو صحبت کرده است که در ادامه می‌خوانید.

ادبیات کلاسیک ایران گنجینه بسیار ارزشمندی دارد که تاکنون تقریباً برای سینماگران دست نخورده باقی مانده است. شما فیلم‌مرد بدون سایه را از روی این گنجینه ساخته‌اید. اقتباس از داستان‌های کهن چه تجربه‌ای در پی داشت؟

«مرد بدون سایه» در واقع ترکیبی از دو حکایت بود. حکایت «زن پارسا» از «الهی‌نامه» عطار و حکایت «ماهان کوشیار» از «هفت گنبد» نظامی گنجوی. به دلیل ذات شعری این حکایت‌ها، داستان اصلاً به آن معنا در آن‌ها گفته نمی‌شود و هیچ شکلی از درام به معنای امروزی در آن‌ها شکل نمی‌گیرد. این یکی از خصوصیه‌های مهم ادبیات کلاسیک ما است که همه آن‌ها مطالبشان را با ظرفیت‌های شعری، بیان می‌کردند.

مثلاً مثنوی معنوی مولانا پراز داستان است، ولی داستان‌هایی که به هیچ‌وجه نمی‌توان با عناصر امروزی دراماتیزه‌شان کرد و فقط باید از آن‌ها ایده گرفت، یا این که مفاهیم موجود در آن‌ها را تبدیل به فضای امروزی فیلمنامه کرد که این هم کار بسیار سخت و طاقت‌فرسایی است.

خود من بیش از بیست سال است که دارم تلاش می‌کنم تا ببینم در مواجهه با این گنجینه جواهر گونه پررنج، چگونه می‌شود این گنج را از رنج جدا کرد و از آن استفاده کرد.